

۵ چالش‌ها و فرصت‌های ایران فرهنگی در حوزه قفقاز

دکتر رشید جعفر پور**

محمود بابایی*

مقدمه

کشور ایران دارای سابقه‌ی تاریخی طولانی است. این کشور با مفاهیم مختلفی قابل تبیین است که عبارتند از «ایران جغرافیایی»، «ایران تاریخی»، «ایران فرهنگی»، ایران به مفهوم «دولت-ملت» و... هرکدام از این عبارات دارای بار معنایی متفاوتی است و حوزه‌ی فرهنگی، سیاسی و تاریخی مختلفی را پوشش می‌دهد. کشور ایران با جغرافیای حاضر ماحصل مجموعه‌ی مفاهیمی است که به آنها اشاره کردیم. این منطقه‌ی جغرافیایی - سیاسی، محل تلاقی حوادث مهم تاریخی بوده که برخی تعبیر «چهار راه حوادث» را برای آن به کار برده‌اند. از مجموعه مفاهیمی که برای ایران به کار بردیم، مفهوم «ایران فرهنگی» به لحاظ جغرافیای فرهنگی (Geo-culture) از همه گسترده‌تر است و مرزهای آن مناطق اطراف ایران را نیز شامل می‌شود. از جمله مناطقی که در این جغرافیای فرهنگی قرار می‌گیرد، منطقه‌ی استراتژیک قفقاز است. منطقه‌ی قفقاز با داشتن جمهوری‌ها، اقوام، فرهنگ‌ها، زبان‌ها و تاریخ طولانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نشانه‌های متعددی از آثار فرهنگی، تاریخی، زبانی، قومی و... ایران فرهنگی در آن منطقه وجود دارند که توجه به آنها برای سیاست‌گذاری سیاستمداران ایران مفید و رهگشا خواهد بود. به نظر می‌رسد استراتژی ایران فرهنگی به عنوان زمینه‌ساز همگرایی منطقه‌ای می‌تواند در جذب و همسو ساختن آن منطقه‌ی مهم با ایران اسلامی موثر واقع شود. ضمن اینکه باید به تهدیدات استراتژیک آن نیز توجه جدی شود. بحث حاضر تلاش می‌کند با بررسی برخی از زمینه‌های همگرایی از قبیل همگرایی فرهنگی، تاریخ، زبانی و قومیتی که می‌تواند در استراتژی ایران فرهنگی قابل طرح باشد، به جایگاه قفقاز در حوزه فرهنگی ایران بپردازد.

همگرایی منطقه‌ای و همگرایی فرهنگی

«ارنست هاس» (Ernst Haas) یکی از بنیان‌گذاران نظریه همگرایی (Integration Theory)، همگرایی را اینگونه تعریف می‌کند: «گرایش به سمت ایجاد داوطلبانه واحدهای سیاسی بزرگتر که

هریک از این واحدها به شکل خود آگاهانه‌ای از استفاده و به کارگیری زور در روابط خود با یکدیگر اجتناب می‌ورزند». وی در این تعریف بر دو نکته مهم تاکید دارد:

۱. داوطلبانه بودن همگرایی

۲. عدم استفاده از زور در این فرایند. (۱)

«هاس» همچنین در مورد همگرایی به این نکته اشاره می‌کند که وجود ساختارهای اجتماعی- فرهنگی همخوان در جوامع همگرا که در زمان پیوند بتوانند با یکدیگر سازگار بوده و کارکردهای یکدیگر را جواب کنند یکی از شرایط اساسی تحقق همگرایی است. او همچنین به هماهنگی فکری ایدئولوژیک نخبگان جوامع در همگرایی اشاره می‌کند.

ایران فرهنگی در قرابت با قفقاز

تاریخ کهن ایران آکنده از حوادث و رویدادهای متنوعی است که تلاش مردمی را نشان می‌دهد که برای «ماندن» مبارزه کرده اند. ایرانیان در طول تاریخ حیات خود به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی که آنان را در میان اقوام و ملیت‌های گوناگون قرار داده بود، در یک داد و ستد دایم فرهنگی با دیگران به سر می‌برده‌اند. همین امر سبب شده است تا فرهنگ ایرانی آمیزه‌ای باشد از فرهنگ‌های مختلف بشری و چنانچه این فرهنگ را به درختی مانند کنیم، آن را دارای چند پیوند می‌یابیم؛ سومری، مصری، بابلی، یونانی، هندی، چینی، رومی، عرب و سرانجام فرنگی. (۲) موقعیت جغرافیایی ایران و قرار گرفتن این سرزمین بر سر چهارراه عبور (به تعبیر آل احمد چهارراه حوادث)، جابه‌جایی، مهاجرت‌ها و تهاجم گسترده‌ی اقوام خارج، تأثیر شگرفی بر فرهنگ و هویت ایرانیان داشته است. ایران از آغاز تاریخ شناخته شده تا قرن شانزدهم، همواره با دو نوع چالش برون مرزی روبرو بوده است؛ یکی یورش اقوام بیابانگرد، عشیره‌نشین و بادیه‌نشین از سوی شمال، شمال شرقی و شرق و در مقطعی از طرف جنوب غربی و دیگر تهدیدها و چالش‌های جوامع متمدن و سازمان یافته یا حامیان تمدن خاکی، غالباً از سوی غرب. (۳) این چالش‌ها و حملات علیرغم تغییر در بدنه‌ی سطحی فرهنگ ایرانیان، هیچ‌گاه نتوانست بر لایه‌ی عمیق فرهنگ و هویت ایرانیان تأثیر مخرب داشته باشد. در این بین قفقاز ناحیه‌ای میان دریای خزر و دریای سیاه است که به دو بخش قفقاز جنوبی و قفقاز شمالی تقسیم می‌شود. قفقاز جنوبی شامل کشورهای جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و بخش‌های کوچکی از شمال باختری ایران و شمال خاوری ترکیه می‌شود. قفقاز شمالی اکنون جزئی از روسیه است و شامل جمهوری‌های خودگردان چچن، داغستان، اینگوش، کاراچای-چرکسیا، کاباردینو-بالکاریا، سرزمین کراسنودار، آدیغیه،

اوستیای شمالی-آلنیا و سرزمین استاوروپول است. بخش‌های اصلی قفقاز جنوبی (ماورای قفقاز) و داغستان در جنوب خاوری قفقاز شمالی تا زمان قاجاریه جزو خاک ایران بود. اما در زمان فتح‌علی‌شاه قاجار طی جنگ‌های ایران و روس از ایران جدا شد و به روسیه تزاری پیوست. با تجزیه شوروی سابق سه کشور گرجستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان استقلال خود را بازیافتند. مردم قفقاز هیچگاه از فرهنگ، تمدن و تاریخ ایران جدا نبوده‌اند و هنوز آثار به جای مانده از تمدن و فرهنگ ایرانی در قفقاز باقی مانده است. در عصر حاضر نیز اندیشمندان مختلفی به این نزدیکی تاکید دارند. «ایتیروف تیمور» از دانشگاه دولتی جمهوری داغستان فدراسیون روسیه می‌گوید: «ارتباطات تاریخی میان اهالی داغستان و دولت ایران به زمان باستان و قرن‌های گذشته باز می‌گردد و این ارتباطات در زمان صفوی بسیار زیاد شد.» (۴) همچنین خانم «فاطمه علی بکوا» از همین دانشگاه نیز به این روابط دیرین اشاره کرده و می‌گوید: «روابط تاریخی و فرهنگی میان ایران و داغستان به دوران‌های خیلی قدیم می‌رسد و کتیبه‌هایی از دوران ساسانی توسط باستان‌شناسان در این مورد بدست آمده است.» (۵)

فرصت‌ها و زمینه‌های همگرایی ایران فرهنگی با قفقاز

ایران فرهنگی (Cultural Iran) گستره‌ای بسیار بزرگتر و فراخ‌تر از حوزه‌ی جغرافیای سیاسی است که اکنون ایران نامیده می‌شود. ایران جغرافیایی در جهت غرب و شرق و یا شمال و جنوب دائما در نوسان بوده است و ایران جغرافیایی فعلی نقطه‌ی اشتراک و کانون ایران بزرگ فرهنگی محسوب می‌شود. بسیاری از ایرانیان که به مناطق پیرامونی ایران سفر کرده‌اند و کشورهای اطراف ایران از قبیل پاکستان، افغانستان، هند، تاجیکستان، آذربایجان، ارمنستان، ترکیه، عراق و... را از نزدیک دیده‌اند، حتما آثار و نشانه‌های ایران فرهنگی را در این مناطق مشاهده کرده‌اند. این نشانه‌ها هم در آثار بناهای تاریخی و هم در فرهنگ و رسوم آنها و هم در زبان آنها قابل رؤیت است. به نحوی که بسیاری از محققان این مناطق در کلام و نوشته‌های خود به این موضوع اذعان داشته و دارند.

با توجه به خصوصیات فوق، ایده‌ی «ایران فرهنگی» یکی از فرصت‌های مهم و اصلی برای ایجاد همگرایی است. کشور ایران با داشتن موقعیت جغرافیایی - استراتژیک در منطقه و سابقه‌ی تمدنی - تاریخی طولانی و بسترهای فرهنگی مناسب، از نفوذ قابل توجهی در کشورهای منطقه به خصوص در حوزه قفقاز برخوردار است. لذا با داشتن این ظرفیت‌ها برای همگرایی می‌تواند از فرصت همگرایی استفاده کند. لذا بهترین روند همگرایی برای ایران می‌تواند در منطقه و پیرامون آن «ایران فرهنگی» باشد.

این نکته که کشور ایران در گذشته به صورت یک قدرت پهناور اداره می‌شده، امروزه نیز می‌تواند برای آن یک مزیت باشد. اکنون نیز که ایران بزرگ به تکه‌های مختلف سیاسی تبدیل شده است، هنوز از پیوندها و آثار فرهنگی لازم برخوردار است که می‌توانند در روند همگرایی مؤثر باشند. رسوم مختلف فرهنگی، پیوندهای قومی و زبانی و همچنین مراسم مذهبی در کشورهای قفقاز، همه نشان دهنده‌ی این هستند که ایران فرهنگی دارای زمینه‌ی مناسب برای همگرایی منطقه‌ای است. طبیعی است تاکید بر روابط فرهنگی مختلف و فعال کردن رایزنی‌های فرهنگی در کشورهای مختلف منطقه به خصوص در حوزه‌ی قفقاز می‌تواند سرعت این روند را تندتر کرده و نتایج مطلوبی برای همگرایی داشته باشند.

در مجموع اصلی‌ترین فرصت‌هایی که در این زمینه برای ایران وجود دارد و ایران می‌تواند از آنها در راستای تشکیل «ایران فرهنگی» بهره‌برداری را می‌تواند در موارد زیر برشمرد:

۱- مشترکات تاریخی - فرهنگی: همانطور که اشاره شد، منطقه‌ی قفقاز با ایران تاریخ مشترک طولانی‌ای دارد. همین امر موجب شده است که بین ایران و کشورهای منطقه قفقاز از نظر دین و حتی در بسیاری موارد نظیر مذهب، زبان، تاریخ سیاسی، آداب و رسوم مشترکات فراوانی وجود داشته باشد. تقرب فرهنگی میان کشورهای منطقه فرصت مناسبی است که نیاز به احیا دارد.

۲- موقعیت جغرافیایی: از نظر جغرافیایی ایران با کشورهای قفقاز در یک منطقه قرار گرفته و به جز گرجستان با کشورهای این منطقه مرز آبی و خشکی دارد.

۳- تزلزل حاکمیت فرهنگی روس‌ها: دور بودن کشورهای قفقاز از مرکزیت حکومت در دوره‌ای که تحت تسلط روس‌ها بودند و همچنین احساس بیگانگی فرهنگی مردم با دولت روس‌ها به علت کوتاه مدت بودن سابقه‌ی مشترک تاریخی‌شان موجب شده بود که علی‌رغم تلاش دولت مرکزی روس برای شیوع فرهنگی جدید در این منطقه، فرهنگ روسی نتواند جایگاه تثبیت شده‌ای را در اندیشه‌ی مردم قفقاز پیدا کند و لذا حاکمیت فرهنگی روس‌ها بر قفقاز متزلزل بود.

۴- ایرانیان مقیم منطقه: حضور پررنگ ایرانیان در منطقه‌ی قفقاز و همچنین شکل گرفتن نسبت‌های خویشاوندی بین مردم این منطقه با برخی مرزنشین‌های ایران برای حرکت به سمت ایران فرهنگی، فرصت مناسبی می‌باشد.

چالش‌های همگرایی ایران فرهنگی و قفقاز

اگر ایده‌ی «ایران فرهنگی» با هدف «منطقه‌گرایی» مطرح شود، به نظر می‌آید بسیاری از کشورهای منطقه که تحت نفوذ قدرت‌های جهانی قرار دارند نسبت به این حرکت حساس شوند و به چالش بین

کشورها پردازند. همچنین برخی از گروه‌های وابسته به قدرت‌های بزرگ و جریان‌ات فرهنگی، نسبت به این منطقه‌گرایی حساس می‌شوند و ایده‌هایی چون پان‌ترکسیم، ارمنستان بزرگ، آذربایجان واحد و... را مطرح می‌کنند که این ایده‌ها به تمامیت ارضی کشورهای منطقه لطمه می‌زند. همچنین ایده‌ی منطقه‌گرایی با عنوان «ایران فرهنگی» می‌تواند روند ملی‌گرایی را در برخی کشورهای منطقه را تشدید کند و این مسأله خود باعث ایجاد تنش‌هایی بین جمهوری‌ها و اقوام مختلف منطقه شود که تاکنون مرزهای سیاسی، عامل اتحاد و انفکاک آنها بوده است.

«جرالد گرین» این تهدید را اینگونه بیان می‌کند: «حسیاسیتهای امنیتی نسبت به پیشرفت ایران در منطقه هم از ناحیه قدرت‌های حاضر در منطقه و هم قدرت‌های خارج از منطقه بسیار زیاد است.» (۶) در نتیجه منطقه‌ی قفقاز به دلیل تنوع قومی، زبانی و نژادی، آبستن تحولات و حوادث پیچیده‌ای است که هرگونه تحرک سیاسی و منطقه‌ای می‌تواند این نظم حاکم را بر هم زده و آشوب جدیدی ایجاد کند.

نتیجه و راهکارها

احیای «ایران فرهنگی» نیازی است که از گذشته‌ها می‌بایست زیربنای آن نهاده می‌شد اما به هر دلیل مغفول مانده است. فرصت‌های فراوان در کنار مشابهت‌های تاریخی ضرورت این امر را بدیهی می‌نمایاند. از آنجا که سیاست‌های منطقه‌ای به لحاظ اینکه ضرورتاً بر چگونگی عملکرد سیستم بین‌المللی تاثیر می‌گذارند، توجه متولیان سیستم را معطوف به خود می‌سازند. لذا اولین نکته‌ای که در خط مشی‌ها و راهکارهای مورد نظر در رابطه با «ایران فرهنگی» نیز باید مدنظر قرار گیرد، این است که خط مشی‌ها باید با توجه به دو عامل بنیادین منافع ملی و ماهیت نظام بین‌الملل شکل بگیرد. در نتیجه در راستای گسترش ایران فرهنگی بایستی به هر دو بعد درونی یا منطقه‌ای از یک سو و بیرونی یا فرامنطقه‌ای از سوی دیگر توجه نمود.

همچنین لازم است که دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به منظور از میان برداشتن موانع و برطرف کردن چالش‌های پیش روی «ایران فرهنگی» در معاهدات و قراردادهای خود با کشورهای منطقه همواره بر مواردی نظیر احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی، عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها، تمایل به همکاری دوستانه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تاکید داشته باشد.

همچنین به منظور برطرف نمودن «چالش تنش‌زایی» (Tensionize Challenge) لازم است تا ایران به تبیین مطالب زیر برای مقامات کشورهای منطقه و همچنین افکار عمومی آنها بنماید:

۱. تشکیل «ایران فرهنگی» که به عنوان حوزه‌ای برای ارتقای جایگاه ایران در منطقه برشمرده شده است، تماما هویتی شبکه‌ای دارد و لذا با تعامل بازیگران منطقه‌ای و حتی جهانی رشد می‌یابد و نه رقابت یا تعارض. این بدان معناست که رشد ایران در این سیستم نه تنها موجب افول دیگر کشورها نمی‌شود، بلکه می‌تواند سایر کشورها را نیز در جایگاه فرهنگی قابل قبول‌تری قرار دهد.

۲. جمهوری اسلامی ایران همواره در خصوص استراتژی نظامی و امنیتی کشور بر روی الگوی بازدارندگی همه جانبه تاکید داشته که عاری از حساسیت‌های الگوی تهاجمی است. این مطلب دلالت بر آن دارد که از ناحیه ایران تهدیدی متوجه سایر بازیگران نمی‌شود. بر این اساس کشورهای منطقه بایستی احساس کنند که ایران می‌تواند به این کشورها کمک نماید تا ریشه‌های معنوی و فرهنگی خود را بازبندد. با توجه به مطالب فوق راهکارهای زیر برای شکل دهی به «ایران فرهنگی» پیشنهاد می‌شود:

۱. برعهده گرفتن نقش میانجی گری (Intermediation) در منطقه‌ی بحران‌زده‌ی قفقاز.

۲. توسعه‌ی مراودات توریستی و صنعت توریسم (Tourism Industry) در منطقه.

۳. گسترش و تقویت فرهنگ و باورهای شیعی.

۴. مبادله‌ی دانشجو با کشورهای منطقه و تاسیس شعب دانشگاهی در کشورهای قفقاز.

۵. همکاری فرهنگی از قبیل همکاری در زمینه‌ی تولید فیلم، تئاتر، و همکاری‌های رسانه‌ای.

۶. برگزاری نمایشگاه‌های تجاری، صنعتی و فرهنگی مشترک.

۷. برگزاری همایش‌ها با زمینه‌های مشترک فرهنگی و تاریخی از قبیل مراسم مذهبی دهه محرم و ماه

رمضان و تکریم شخصیت‌های فرهنگی مشترک و آئین‌ها و رسوم فرهنگی مشترک از قبیل نوروز.

۸. ایجاد بازار مشترک مرزی و منطقه آزاد تجاری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال بین‌رشته‌ای علوم انسانی

*دکترای علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

**فوق لیسانس روابط بین الملل

پی‌نوشت‌ها:

۱. علی اصغر کاظمی، نظریه همگرایی در روابط بین الملل «تجربه جهان سوم»، تهران: چاپ پیک ایران، ۱۳۷۰

۲. محمد علی اسلامی ندوشن، ایران و تنهائیش، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶، ص ۲۲۳

۳. داود هرمیداس باوند، چالش‌های برون مرزی و هویت ایران در طول تاریخ، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۰-۱۲۹، ص ۲۱
۴. «مقالات سمینار بین المللی جهان ایرانی و توران»، وزارت امور خارجه، خلاصه مقاله ایتبروف تیمور (دانشگاه دولتی داغستان فدراسیون روسیه)، ۲۵ و ۲۶ بهمن ۱۳۷۹، ص ۶
۵. همان، فاطمه علی بکوا (دانشگاه دولتی داغستان فدراسیون روسیه) ص ۸
۶. محسن رضایی، ایران منطقه‌ای، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۴، ص ۲۲۸

